



باشعرهای مهربی ماهوتی

آن، مان، نباران شیمو می ره بیمارستان



دکتر می آد با لبخند
می بینه پای اونو
می گه شکسته جانم
پای قشنگ شیمو

خرس کوچولو می ترسه
دلش می گه تاپ تاپ
جدا نمی شه خرسی
از شیمو و رختخواب

